خبر

آغاز اکران «پالتوشتری»

شاید گفتن این جمله پر بیراه نباشد که فیلم‌های کمدی تا حد زیادی توانسته‌اند از افت مخاطب سینما جلوگیری کنند. کارگردانان معتقدند در کشور ما با توجه به مشکلات اقتصادی و اجتماعی که وجود دارد، مردم بیشتر از گذشته به دیدن فیلم‌های کمدی علاقه دارند تا در همان دو ساعت حضور در سالن سینما فارغ از همه‌چیز شاد باشند. از این رو در شرایطی که گیشه سینماها رونق چندانی ندارد فیلم‌سینمایی «پالتوشتری» از هفته آینده به سرگروهی سینما مگامال روی پرده سینماهای سراسر کشور می‌رود. تهیه‌کنندگی این فیلم را مجید شیخ انصاری و کارگردانی‌اش را مهدی علی میرزایی به عهده دارد و توسط موسسه تصویرشهر پخش و اکران می‌شود. پالتوشتری، داستان یک دانشجوی فلسفه است که یک پالتو از پدرش به ارث برده که با پوشیدنش افکار وسوسه‌آمیز و موذیانه به سراغش می‌آید. در خلاصه داستان این فیلم آمده است «اگه دشمنید چرا این‌قدر با هم می‌پرید؟ اگه دوستید چرا این‌قدر به هم می‌پرید؟» این فیلم یک درام کمدی است که در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر در بخش نگاه نو و سودای سیمرغ حضور داشت. از بازیگران این فیلم می‌توان به سام درخشانی، بهاره کیان‌افشار، لیندا کیانی، بانیپال شومون، شاهرخ فروتنیان، افسانه چهره‌آزاد، پریوش نظریه، علیرضا مهران، طوفان مهردادیان و رضا شیخ‌انصاری اشاره کرد.

زاویه دید

بررسی جشنواره فیلم فجر از نگاه سینماگران (۳)

تحریم جشنواره دور از شأن فرهنگ و هنر است

محمدحسین امانی
کارگردان

صحبت از جشنواره فیلم فجر بدون یادآوری خاطرات دور و نزدیکش تقریبا محال است. از دلخوشی‌های نوجوانی و جوانی‌ام، رسیدن به روزهای برگزاری جشنواره فیلم فجر بود. حتی ایستادن در صف‌های عریض و طویل برای ورود به سالن‌های تاریک و تماشای فیلم‌هایی که برای اولین بار در جشنواره اکران می‌شوند در آن هوای سرد زمستان لذتی داشت که امروز از فکر کردن به آن لبخند به لبم می‌آید.

هرچند مخاطبان جشنواره فیلم فجر در سال‌های اخیر کمتر شده‌اند اما هنوز هم دلخوشی خیلی از جوانان علاقه‌مند به سینما همین جشنواره است. هنوز هستند جوانانی که تمام روزهای جشنواره فیلم فجر را با عشق در سالن‌های سینما سپری می‌کنند و پیگیر دائم آن هستند. حتی بسیاری از افرادی که در طول سال به سینما نمی‌روند در این روزها نسبت به اتفاقات سینما و جشنواره فجر کنجکاو می‌شوند و بدشان نمی‌آید اگر بلیتی به دست‌شان رسید به سینما بروند که فیلمی از جشنواره را تماشا کنند. سینمای ایران نیاز به ورود نیروهای تازه نفس با نگاهی جدید و دقیق به سینما دارد و این‌که سینمای ایران را چطور در دنیا مطرح کنیم، چگونه به مخاطب نزدیک شویم و با چه سیاستگذاری‌هایی به فیلم‌های قصه‌گو و قهرمان محوری در ژانرهای مختلف برسیم. این اتفاق‌ها از کجا آغاز می‌شود؟ به نظرم بهترین محمل و جایی که در آن می‌توان دنبال چنین سیاستگذاری‌ای رفت، جشنواره فیلم فجر است. جشنواره فیلم فجر هر ساله با استانداردهای مشخصی برگزار می‌شود و بدون شک در کلیت سینمای ایران نقطه عطفی است.

امروز که بعضی از سینماگران پروژه تحریم جشنواره فیلم فجر را مطرح کردند به نظرم به علاقه‌مندان سینما دهن کجی می‌کنند. چون این تحریم‌ها هیچ عایدی‌ای جز مأیوس کردن مردم و دور کردن‌شان از مقوله فرهنگ و هنر ندارد. کما این‌که سوءاستفاده از احساسات مردم نیز قطعا بادوام نخواهد بود. متاسفانه فضای خوبی بر سینما حاکم نیست. انگار معدود اشخاصی کلیت سینما را دست گرفته‌اند و برای همه باید و نباید تعیین می‌کنند و خط و نشان می‌کشند. حتی پیش آمده برای بازی در فیلمی با بازیگری، تماس گرفته شده و آن بازیگر با این‌که بیکار بوده اما جواب داده: «از ترس فحش خوردن کار را قبول نمی‌کنم!». به‌نظرم خیلی از کسانی‌که امروز حرف از تحریم جشنواره می‌زنند، قلبا به انجام آن اعتقادی ندارند و صرفا به‌دلیل برخورد همان تعداد انگشت شمار از همکاران‌شان است که پیرو راه و عقیده‌شان شده‌اند.

جاذبه حضور در جشنواره فیلم فجر اما باعث نمی‌شود چشم بر کاستی‌هایی ببندیم که به هر حال در هر جشنواره‌ای وجود دارد. از انتقاداتی که به‌نظرم به جشنواره فیلم فجر وارد است، کمرنگ شدن حضور مردم در آن است. درگذشته بلیت‌فروشی برای جشنواره فیلم فجر بیشتر حالتی مردمی داشت اما در سال‌های اخیر بعضی از سینماهایی که به اکران جشنواره اختصاص داده شده بود به اکران فیلم برای قشر خاصی تعلق گرفت و جز در اکران‌های فوق‌العاده مردم نمی‌توانستند به تماشای فیلم‌ها بنشینند. اگر جشنواره فیلم فجر، سالن‌های بیشتری را به اکران مردمی اختصاص دهد و سهولت بیشتری برای تهیه بلیت مردم از طریق گیشه یا اینترنتی فراهم آورد، فضای بهتر و مردمی‌تری بر جشنواره فجر حاکم می‌شود. تأثیرگذاری سینما در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زیاد است و بسیاری از مسائل جامعه را می‌توانیم با کمک سینما و پیام‌هایی که در فیلم‌ها می‌گنجانیم، حل کنیم. بنابراین لازم است فرهنگ فیلم دیدن و سینما رفتن را در جامعه رواج دهیم.

گفت‌وگو با هاشم مرادی، کارگردان و تهیه کننده فیلم «ایمو»

واکاوی انسان مهاجر

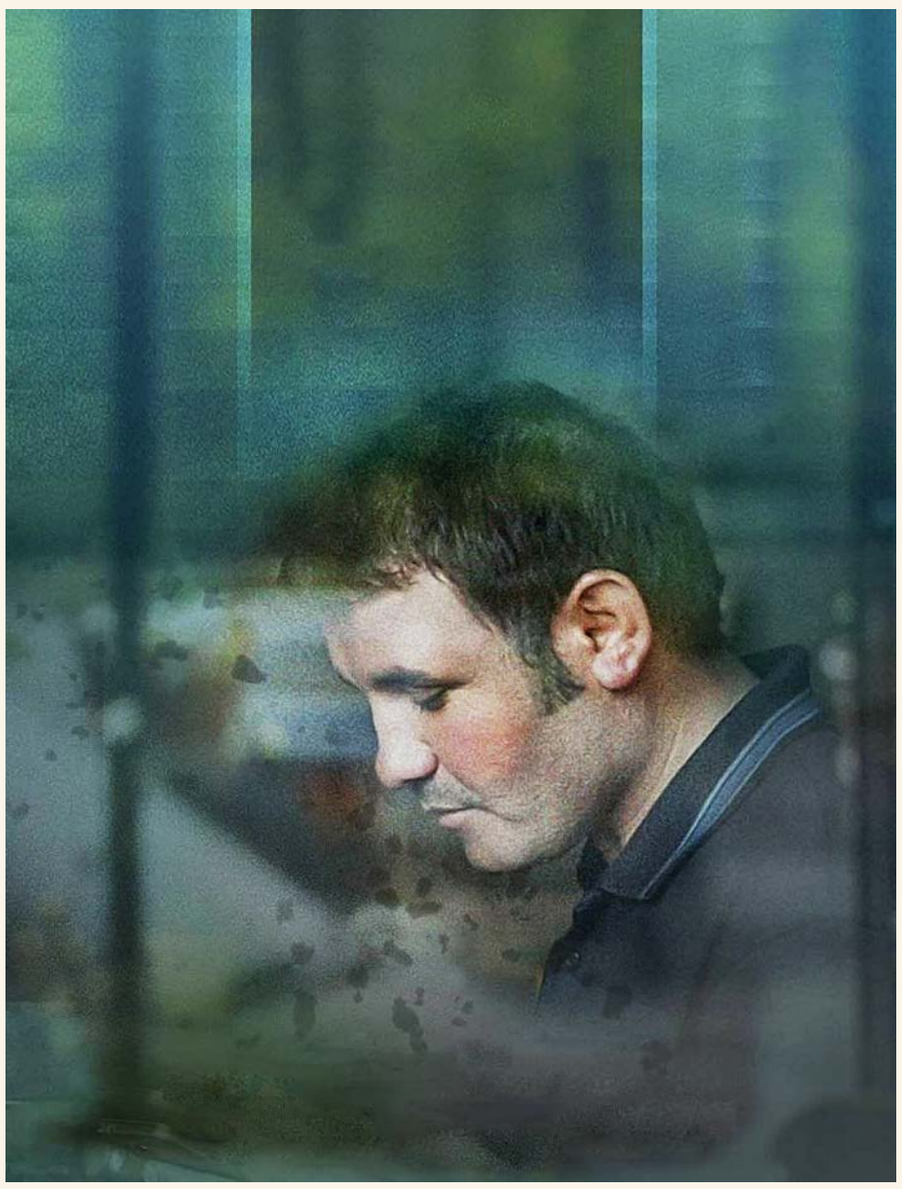

ساناز قنبری
گروه فرهنگ و هنر

هنر و تجربه این روزها فیلمی متفاوت را روی پرده سینماها به نمایش گذاشته، فیلمی ساده و بی‌پیرایه با درونمایه صداقت به‌عنوان یک گوهر انسانی که در زندگی مدرن امروزی کمرنگ شده است. «ایمو» فیلمی است به کارگردانی و تهیه‌کنندگی هاشم مرادی که داستان جوانی شهرستانی به نام حمید را روایت می‌کند که با آمال و آرزوهای زیادی برای کار به تهران می‌آید و در کافه‌ای مشغول کار می‌شود اما به مرور زمان با اختلاف فرهنگی مواجه شده و درنهایت به زادگاهش برمی‌گردد. گفت‌وگوی جام‌جم را با هاشم مرادی درباره «ایمو» که این روزها در حال اکران است در ادامه بخوانید.

فیلمنامه «ایمو» از موضوعی می‌گوید که تازه نیست، ساختش هم با ویژگی‌های خاصی همراه نیست. از مهاجرت و دنیای مهاجرت از اختلاف فرهنگی و مسائلی می‌گوید که پیش از این بارها در آثاری مثل «آقای هالو»، «زرد قناری» و «آبادانی‌ها» دیده شده، بنابراین چرا شما این قصه را برای روایت در سینما انتخاب کردید؟

تفاوت قصه ما با قصه‌های دیگری که با موضوع مهاجرت در سینمای ایران ساخته شده در سادگی آن است. به دلیل همین سادگی هم هست که مخاطب احساس نمی‌کند با فیلمی شعارزده و تصنعی روبه‌روست. تماشاگر با حمید (شخصیت اول داستان) همراه می‌شود و او را با تمام تصمیمات درست و غلطی که می‌گیرد، درک می‌کند. مخاطب این فیلم به‌خصوص اگر مهاجر باشد، کاملا آن را باور می‌کند.

شاید مخاطب عام قصه را درک کند، چون داستانی می‌بیند که از جنس سینمای ایران است اما از نگاه مخاطبی که تخصصی‌تر به سینما نگاه می‌کند، این قصه می‌توانست شکل و شمایل تازه‌تری داشته باشد و حرف جدیدی بزند.

من از روستاهای اردبیل به تهران مهاجرت کردم و با مشکلات آن از نزدیک آشنا هستم. تصور عامه این است که تمام مهاجران فقیرند و برای افزایش درآمد است که به شهرهای بزرگ می‌آیند اما همه مهاجران فقیر نیستند و در شهرهای بزرگ با مشکلات متعددی مثل یافتن مسکن مناسب و دسترسی به خدمات مواجه می‌شوند. اکثر آنها ساعات طولانی در کارهای کم‌هزینه و ناامن کار می‌کنند و در معرض طیف وسیعی از خطرات قرار دارند. موضوع مهاجرت هر چند به قول شما در سینمای ایران و حتی جهان تکراری است اما من بیشتر به این فکر کردم که با زبانی ساده این موضوع را روی پرده سینما به تصویر بکشم. سوژه فیلم به دوران کودکی‌ام برمی‌گردد و به‌نوعی برایم نوستالژیک است. فیلمنامه ایمو را که نوشتم آن را به محسن جسور (مشاور فیلمنامه) دادم و او گفت متن خوب و موفقی است. همین باعث دلگرمی‌ام شد و انگیزه مرا برای ساخت فیلم بیشتر کرد. شخصیت اصلی داستان، حمید وقتی برای کار به تهران می‌آید در یک کافه مشغول کار می‌شود. خود همین کافه را می‌توان نمادی از یک کلانشهر در نظر گرفت که همه جور آدمی از هر طبقه اجتماعی وارد آن می‌شوند. حتی مهاجران ایرانی وقتی وارد یک کشور پیشرفته می‌شوند با وجود این‌که پول به آنجا می‌برند و به این وسیله به اقتصاد آنجا کمک می‌کنند اما باز کمابیش نگاه احترام‌آمیزی شامل حال‌شان نمی‌شود. کما این‌که در ایمو هم می‌بینیم در ابتدای داستان، قصد سوءاستفاده از حمید را داشتند اما کم‌کم شخصیت او در محیط جدید شکل می‌گیرد و در مقابل این رفتارها طغیان می‌کند. طغیانش هم البته خیلی تند و خشن نیست و صرفا در حد یک مطالبه‌گری است.

تفاوت «ایمو» با فیلم‌های دیگری که با موضوع مهاجرت در سینمای ایران ساخته شده در سادگی آن است. تماشاگر با حمید (شخصیت اول داستان) همراه می‌شود و او را با تمام تصمیمات درست و غلطی که می‌گیرد، درک می‌کند. مخاطب این فیلم به‌خصوص اگر مهاجر باشد، کاملا آن را باور می‌کند

مبحث اختلاف فرهنگی را عمدا در لایه‌های پنهان قصه قرار دادید؟

بله. در واقع افزایش مهاجرت از روستاها یا شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ علاوه بر کمرنگ شدن آیین‌های بومی، قرار گرفتن قومیت‌ها و فرهنگ‌ها در کنار یکدیگر و گستردگی آسیب‌های اجتماعی را به همراه دارد. در طول داستان هم دختری را می‌بینیم که شخصیتی مشابه حمید دارد اما او برخلاف حمید که پای حقش می‌ایستد و به قول معروف گردن کلفت است در اجتماع حل می‌شود. ما کوشیدیم اختلاف و تعارضات فرهنگی را که با مهاجرت پدید می‌آید، طوری در لابه‌لای داستان جا دهیم که خیلی گل درشت نباشد.

به نظرم قصه خیلی دیر به اصل داستان می‌رسد. از این جهت که حمید دیر به کسی تبدیل می‌شود که باید باشد!

به هر حال پرداخت شخصیت نیاز به زمان دارد. مخاطب اول باید میزان سادگی حمید را می‌دید تا تحول شخصیتی‌اش را درک می‌کرد. به همین علت از نظر من این زمان در داستان نیاز بود تا به اصل داستان برسیم.

مسیر قصه‌گویی آثار شما از فیلم‌های کوتاه گرفته تا ایمو، هرچند رو به تلخی‌های زندگی است اما آزاردهنده نیست. حتی وقتی کاراکتر حمید به‌شدت درگیر مشکلات می‌شود، نوع بیان و اکت‌هایش در اوج تلخی داستان، مخاطب را عصبی نمی‌کند و در لابه‌لای تمام این مشکلات طنزی نهفته است. انگار این طنز تلخ ترفند عامدانه شما برای بهترشدن فضای قصه‌پردازی فیلم است؟

بله. این فیلم مثل زندگی غم و شادی را در کنار هم دارد و همین باعث می‌شود ارتباط خوبی با مخاطب برقرار کند. پیش از ایمو چند فیلم کوتاه کار کردم. حتی فیلم کوتاه «گندم» که آن هم راجع به مهاجرت یک خانواده افغانی به ایران بود، در جشنواره‌های بین‌المللی زیادی مورد تقدیر قرار گرفت. مهاجرت مقوله‌ای است که با زیر و بم آن آشنایی کامل دارم.

چرا تمایل به ساخت فیلم‌های اجتماعی دارید؟

به هر حال نمی‌توانم نسبت به محیط پیرامونم بی‌تفاوت باشم. البته ادعای فیلمسازی ندارم چون حرفه اصلی‌ام، فیلمبرداری است. کما این‌که همین الان هم مشغول فیلمبرداری سریالی به کارگردانی سروش محمدزاده برای حوزه هنری هستم. به‌هر حال اگر بخواهم بعدها هم فیلمی بسازم قطعا مضمونی اجتماعی دارد.

در فروش یک فیلم عوامل گوناگونی مثل حضور سوپراستارها، کارگردانی، داستان و ژانر فیلم موثر است. از آنجا که هیچ سوپراستاری در فیلم‌تان حضور ندارد به نظرم رسید گیشه این فیلم چندان برای‌تان مهم نبوده؟

نه، چون برای گیشه فیلم نساختم. ایمو فیلمی تجربی بود و از همان ابتدا هم تصمیم داشتم آن را در گروه هنر و تجربه اکران کنم. ویژگی این فیلم سادگی آن است و اگر به جای حمید از یک بازیگر سرشناس استفاده می‌کردم شاید فروش‌اش چند برابر می‌شد اما خروجی فیلم جور دیگری می‌شد که من نمی‌خواستم.

انتخاب بازیگران فیلم‌تان را بر چه اساس انجام دادید؟

- مشخصات بازیگران را طبق نقش‌های‌شان به اطرافیانم می‌دادم و آنها بازیگرانی را معرفی می‌کردند. درنهایت براساس نوع گویش، توانایی، چهره و تست‌هایی که گرفتیم به بازیگران مدنظرمان رسیدیم. شخصیت بکر فیلم، حمید بود. به همین دلیل از یک نابازیگر برای این نقش استفاده کردیم. فیلمنامه را کم‌کم با حمید تمرین کردم که البته خودش در جریان نبود. من دنبال واکنش‌های او بودم و نتیجه کار برایم بسیار قابل قبول است. مطمئن بودم حمید از پس نقش برمی‌آید که خوشبختانه تا الان هم بازخوردهای خوبی از سوی مخاطبان دریافت کردم.

قصه ایمو چه پیامی را به مخاطب منتقل می‌کند؟

از جایی به جای دیگر رفتن باعث معضلی به نام اختلاف فرهنگی می‌شود. در مواقعی ممکن است فرد در فضای فرهنگی جدید حل شود اما در مواقعی دیگر با فرهنگ جدید تقابل پیدا می‌کند. ما هر دو حالت را در این فیلم دیدیم. در انتهای این داستان حمید تصمیم می‌گیرد که به زادگاه خود برگردد که البته تبعات چنین تصمیمی می‌تواند به تنهایی داستانی تازه باشد؛ چون بازگشت مهاجران به زادگاه‌شان هم مشکلاتی به همراه دارد که البته در حیطه فیلم ما نمی‌گنجید. مهاجر شدن تصمیم بزرگی است اما کسانی که آن را انجام داده‌اند، می‌دانند که مهاجر ماندن تصمیم بزرگ‌تری است. در مهاجرت یک سؤال بزرگ همیشه در سر افراد به اشکال مختلف می‌چرخد که: «آیا زمان بازگشت به وطن رسیده است؟» خستگی از مهاجرت پدیده متداولی است که بسیار از مهاجران پس از شکست در اهداف خود یا مواجه شدن با اتفاقاتی که انتظار آن را نداشتند دچار آن می‌شوند و به فکر بازگشت به زادگاه‌شان می‌افتند.

با توجه به وضعیت این روزهای گیشه سینمای ایران از فروش فیلم‌تان تا چه اندازه راضی هستید؟

ایمو نسبت به فیلم‌های فعلی روی پرده سینما خوب دیده شد و حتی امسال در یکی از بخش‌های جشنواره فیلم شهر هم کاندیدا شد. در شرایط فعلی که حتی فیلم‌های سینمای بلند داستانی گیشه ندارند، فیلم ما با وجود اکران در گروه هنر و تجربه اما در سئانس‌های مختلف تا ۷۰ -۶۰ بلیت هم فروخته. واقعیتش را بخواهید خودم هم توقع نداشتم بازخورد فیلمم آن‌قدر بین مخاطبان خوب باشد. مخاطب در این فیلم با داستانی ساده و روان روبه‌رو می‌شود. درست شبیه آنچه در زندگی روزمره خودمان رخ می‌دهد. ایمو فیلمی بسیار عمیق است و لایه‌هایی از انسان را واکاوی می‌کند که در دنیای مدرن امروز فراموش شده است.

قاب

تولد هنرمندی که جای خالی‌اش پر نمی‌شود

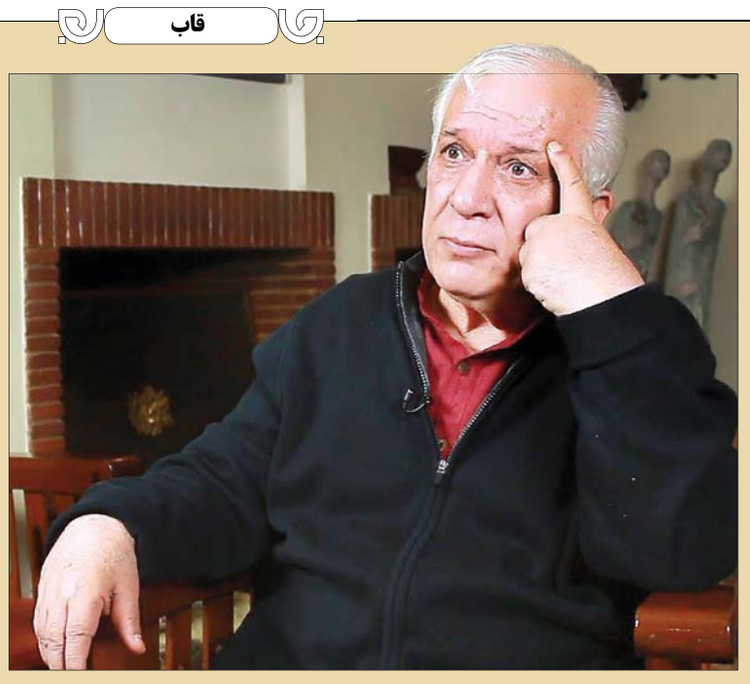

فیلم‌های خسرو سینایی منحصر به خود اوست. هیولای درون، یار در خانه، در کوچه‌های عشق، کوچه پاییز، عروس آتش، مثل یک قصه، جزیره رنگی و تمام مستندهای داستانی و کوتاهش از دل حقیقت بیرون آمده‌اند و در فرم و محتوا نقاط و مشخصه‌های واحدی دارند که امضای سینایی است و برتمامیت هنرمندانه او صحه می‌گذارد. خسرو سینایی، بیش از نیم قرن در عرصه سینما فعالیت کرد و ماندگاری را در هر شرایطی بر روح و جان هنر سینما تثبیت کرد. زنده‌یاد سینایی هنرمندی نجیبی بود که جای خالی‌اش امروز در هشتاد و دومین سالروز تولدش خالی است. امید که سینمای ایران قدر بزرگان خود را بیش از اینها بداند.

رویداد

جشنواره مقاومت، پذیرای آثار تراز در حوزه انقلاب

دبیر هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت از روند مطلوب و قابل قبول ارسال آثار به این جشنواره خبر داد. جلال غفاری‌قدیر با بیان این خبر گفت: ما در این دوره از جشنواره بخشی را به عنوان نسل روایت داریم که مختص جوانان و نوجوانان متولد ۱۳۶۸ به بعد است و بنا داریم در کنار پرداختن به سینماگران حرفه‌ای و تراز اول داخلی و خارجی به نسل نوی سینمای ایران نیز توجه ویژه‌ای داشته باشیم.

جلال غفاری‌قدیر همچنین بیان کرد: تاکنون سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی انقلاب اسلامی حمایت‌های خوبی را در حوزه‌های مختلف از جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت انجام داده‌اند، ولی باید با توجه به ابعاد جهانی این رویداد عظیم فرهنگی دستگاه‌های بیشتری به‌خصوص در حوزه بین‌الملل توجه ویژه خود را به این رویداد معطوف دارند.

او خاطرنشان کرد: باتوجه به موضوعیت مکانی و ژئوپلیتیکی خلیج‌فارس و موثر بودن این نقطه بر جریان مقاومت تصمیم گرفتیم این نقطه را برای برگزاری مرحله نهایی جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت انتخاب کنیم.

درنگ

رکوردزنی مخاطبان سینما در ۶ ماه گذشته

در روز گذشته که بلیت‌های سینما نیم‌بها بود، تعداد مخاطبان سینما در شش‌ماه گذشته رکورد تازه‌ای زد. بر اساس آمار سمفا، روز سه‌شنبه ۲۷ بهمن که سینماهای ایران نیم‌بها است، بالغ بر ۸۰ هزار نفر به سینماهای کشور رفتند و سینماها بیش از یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان فروش کردند. باتوجه به ناآرامی‌های اخیر که فعالیت سینماهای کشور را تا حدی تحت‌تأثیر خود قرار داده بود، اکران دو فیلم کمدی «چپ راست» با فروش ۲۶۳ میلیون و درام «ملاقات خصوصی» ۴۱۲ میلیون تومان در روز گذشته تا حدود قابل‌توجهی فضای سینماهای کشور را رونق بخشیده است. همچنین فیلم «بخارست» با ۵۰۰ میلیون تومان به عنوان فیلم اول روز گذشته بوده و پویانمایی «لوپتو» نیز ۱۳۴ میلیون تومان فروش کرده است. با توجه به نزدیک شدن به جشنواره فیلم فجر، آثار کنونی سینماهای کشور، آخرین فیلم‌های امسال هستند که اکران می‌شوند و بعد از پایان جشنواره شاهد اکران فیلم‌های جدید و منتخب جشنواره و تولیدی جدید خواهیم بود.